

## بررسی نابرابری‌های اقتصادی از دیدگاه اسلامی

محمد جان رحمانی\*

### چکیده

برقراری عدالت و توزیع متوازن امکانات فرصت‌های اقتصادی از مهم‌ترین اهداف توسعه و بهبود اقتصادی کشورها است. از طرف دیگر بسیاری از مصائب، مشکلات و فقر مردم و توسعه‌نیافتگی برخی کشورها حاصل وجود نابرابری‌های اقتصادی حاکم در اقتصاد جهانی است. بر اساس مطالعات نوابغ اقتصادی و برندگان نوبل اقتصادی حدود بیست درصد جمعیت جهان حدود نود درصد درآمد جهان را مالک هستند اما هشتاد درصد جمعیت جهان فقط ده درصد از درآمد و ثروت جهان را در اختیار دارند. این تحقیق به آثار و پیامدهای نامطلوبی نابرابری‌های اقتصادی از دیدگاه اقتصادی و دینی پرداخته است. بر اساس آموزه‌های اسلامی نابرابری‌های اقتصادی ظلمی است که مورد بازخواست قرار می‌گیرد و آثار و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مانند فقر و تنگدستی، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی را نشان می‌دهد. و از نظر تحلیل‌های اقتصادی نیز وجود نابرابری‌های اقتصادی باعث کاهش رشد اقتصادی، ایجاد بحران‌های مالی، کاهش تقاضا و... می‌گردد. این تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع دینی و نظریات اقتصادی درصد پاسخ دادن به سؤال اصلی تحقیق و اثبات فرضیه آن پرداخته است. همین‌طور سعی شده بر اساس منابع قرآنی و روایی و با استفاده از تعاریف مفهوم عدالت و ظلم مباحث اسلامی و دینی این تحقیق استخراج گردد. **واژه‌های کلیدی:** نابرابری، پیامد، درآمد، عدالت، ظلم، اسلام، اقتصاد.

---

\* دانش‌پژوه سطح چهار فقه اقتصادی جامعه‌المصطفی‌العالمیه

## مقدمه

در سطح کلان امروزه نابرابری‌های اقتصادی حاکم در جگان، کشورها را به کشورهای برخوردار و فقیر و یا توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته تقسیم‌بندی می‌کند. کشورهای برخوردار را محیط امن و مناسب برای حفظ و نگهداری سرمایه‌های کشورهای جهان‌سومی تبدیل می‌کند که ثروت و دارایی‌های کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته و فقیر در بانک‌های کشورهای توسعه‌یافته مانند سوئیس و... نگهداری می‌شود و از مزایا و منافع این دارایی‌ها اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته سود می‌برد و در مقابل کشورهای جهان‌سومی محیط نا امن و نامناسب برای سرمایه و دارایی‌ها تبدیل می‌گردد، لذا این مسئله سبب انتقال و فرار سرمایه از کشورهای جهان‌سومی می‌گردد؛ که در سال تریلیون‌ها دلار به صورت رسمی و غیررسمی از کشورهای توسعه‌نیافته و دریافت‌کننده کمک‌ها به کشورهای توسعه‌یافته و کمک دهنده انتقال پیدا می‌کند. در نهایت تداوم این وضعیت تقسیم‌بندی نابرابری را بین کشورها شدیدتر می‌سازد که محیط مناسب‌تری را برای جذب سرمایه و نگهداری سرمایه و دارایی‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و فرار سرمایه و دارایی‌ها در کشورهای توسعه‌نیافته فراهم می‌کند. چنانچه امروزه حدود ۹۰ درصد از درآمدهای جهانی را کشورهای توسعه‌یافته در اختیار دارند که ۲۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد و اما ده درصد از درآمدهای جهانی را کشورهای توسعه‌نیافته و جهان‌سومی در اختیار دارد که حدود ۸۰ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد ( Rymon W.baker 2005, pp238-239).

بنابراین وجود نابرابری‌های اقتصاد در جهان آثار و پیامدهای نامطلوبی را دارد. در ادامه به این آثار و پیامدهای منفی نابرابری‌های اقتصادی از دیدگاه اقتصادی و دینی پرداخته می‌شود و به این سؤال جواب داده خواهد شد که نابرابری‌های اقتصادی حاکم در جهان چه آثار و پیامدهای

را در پی خواهد داشت؟ و این فرضیه نیز به اثبات می‌رسد که نابرابری‌ها و بی‌عدالتی اقتصادی آثار نامطلوب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در برده دنبال خواهد داشت.

## مفهوم شناسی

### تعریف ظلم

ظلم در لغت به معنای ستم و بیدادگری کردن به حق دیگران آمده است. اصل آن به معنای ناقص کردن و کم کردن حق و یا گذاشتن شیء در غیر موضع خود است؛ بنابراین آزار رساندن و تعدی به حق دیگران و حق دیگران را تصاحب و پایمال کردن از مصادیق آشکار و بارز ظلم است (دهخدا).

### تعریف عدالت

برای مفهوم عدالت تعاریف متعددی ذکر شده است و یک معنی آن «وضع شی در موضع خودش» است العدل یضع الامور فی مواضعها (نهج البلاغه سید رضی). معنی دیگر عدالت این است که عدالت و ظلم را دو مفهوم متضاد و متناقض دانسته‌اند یعنی عدالت نقیض ظلم است «العدل نقیض الجور» (معجم مقایس اللغه ج ۳ ص ۲۴۷).

بنابراین توزیع برابر درآمدها می‌تواند مفهومی از عدالت توزیعی باشد و توزیع نابرابر درآمدها مطابق معنی که «عدالت و ظلم و نقیض هم‌اند»، می‌تواند یک نوع ظلم باشد.

### مبانی نظری تحقیق

مبانی نظر بحث را می‌توان تحت سه عنوان دیدگاه اسلامی و متفکران مسلمان، اقتصاددانان و آثار و پیامدهای توزیع نابرابر درآمد مورد بررسی قرار داد.

## دیدگاه اسلامی

از دیدگاه اسلامی عدالت ضامن بقا و حیات اجتماعی دانسته شده است. ظلم باعث ویرانی و نابودی حیات اجتماعی و ریشه زشتی گناهان دانسته شده؛ لذا همواره عدالت از نظر دینی مورد تأکید قرار دارد و ظلم به عنوان مفهوم متناقض عدالت مورد مذمت و نکوهش قرار می‌گیرد. در سوره ص که به داستان دو برادری که یکی شان نودونه تا میش داشت و یکی یک‌دانه میش اما صاحب نودونه تا میش صاحب یک‌دانه میش را مغلوب ساخت تا همین یک‌دانه را هم بگیرد. قرآن این رفتار را ظلم دانست که اکثراً بین شرکایی که عمل صالح ندارند و ایمان ضعیف دارند. *انَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَ عَزَّنِي فِي الْخِطَابِ، قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَيَّ نِعَاجِهِ وَ إِنِّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضًا إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ* (سوره ص ایات ۲۳ و ۲۴).

در جای دیگر قرآن کریم ربا را ظلم دانسته و تجارت و بیع منصفانه را عدالت. چنانچه در سوره بقره تجارت با اصل سرمایه بدون ربا را توزیع برابر و مناسب می‌داند. *فَلَكُمْ رُءُوسٌ أَمْ وَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ* (بقره/ ۲۷۹).

همین طور در برخی منابع دینی دستور به مقابله با ظلم و مساعدت و یاری با مظلومی را می‌دهد که حقشان ضایع شده؛ چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: *كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا* (نهج البلاغه (لصبحی صالح)، ص ۴۲۱).

در جای در کلامی منتسب به امیرالمؤمنین است که حضرت می‌فرماید: ما رأیت نعمة موفورة الا و بجانبه حق مضیع، یعنی مالی انباشته نمی‌شود مگر اینکه مالی کسی ضایع شده باشد و از دستشان رفته باشد (جورداق، جورج؛ روائع نهج البلاغه، ۱۳۷۵، ص ۲۳۳).

یکی از فلسفه بعثت انبیاء در سوره مبارکه حدید آیه ۲۵ برقراری قسط بیان شده است: «همانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند».

در برخی منابع دینی یکی از فلسفه ظهور حضرت مهدی (ع) نیز همین مسئله دانسته شده است که حضرت با ظهورش دنیا نابرابر و مملو از ظلم و تعدی را پر از عدل و داد می‌نماید و با برقراری عدالت و توزیع مناسب درآمدها جامعه مرفهی را به وجود خواهد آورد. بر اساس خطبه ۱۷۶ امام علی (ع) در نهج البلاغه ستم و ظلم بر سه گونه است:

- ستمی که نابخشودنی است.

- ستمی که بازخواست شود

- ستمی که بخشیده شود.

ستمی ویلمی که نابخشودنی است شرک به خدا است. خدای متعال می‌فرماید: «خداوند گناه شرک به خودش را نمی‌آمرزد». (سوره‌ی مبارکه نساء آیه ۴۸) ستمی که بخشوده می‌شود ظلم کردن بنده در حق خویش است، به هنگام ارتکاب برخی از گناهان کوچک و اما ستمی که از آن بازخواست شود ظلم کردن بعضی از بندگان بر بعضی دیگر است. توزیع نابرابر درآمد و ثروت جامعه که ناشی از ضایع شدن حق مردم است نوعی ظلمی است که به‌عنوان حق الناس مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

### دیدگاه اقتصاددانان

امروزه نیز به‌طورکلی دو نوع نابرابری درآمدی و فرصت‌ها از سوی اقتصاددانان مطرح می‌گردد. نابرابری درآمدی ناشی از نابرابری‌های در فرصت‌ها و تلاش‌ها و استعداد افراد است؛ اما نابرابری در فرصت‌ها ناشی است از تفاوت شرایط زندگی افراد و خانواده مثل موقعیت زندگی و محل تولد افراد و همین‌طور ناشی از تفاوت‌های قومیتی، جنسیتی، مذهبی و آموزشی است چنانکه استگلتر شرایط جامعه آمریکا را این‌گونه توضیح می‌دهد که خانواده پولدار آمریکایی فرزندان خود را در مکاتب و دانشگاه‌های برتر برای درس خواندن می‌فرستند تا شانس بیشتری برای شغل پیدا کردن داشته باشد

(IMF STAFF DISCUSSION NOTE, p4.2015)

همین‌طور «پارک» (۱۹۹۶) در مطالعات تجربی که از ۵۹ کشور داشته به این نتیجه رسیده است که نابرابری در آموزش رابطه مثبت با نابرابری درآمدی دارد (افقه، غرافی و بصیرت، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصادی ایران، شماره ۱۶ سال چهارم ۱۳۹۴).

امروزه از دید اقتصاددانان معاصر و نهادهای اقتصاد بین‌الملل یکی از مهم‌ترین عوامل و علل توسعه‌نیافتگی کشورهای توسعه‌نیافته حاکمیت سایه سنگینی تمرکز ثروت و درآمد در دستان عده‌ای قلیلی از جمعیت جهان است.

کشورهای توسعه‌یافته محیط امن و مناسب برای حفظ و نگهداری سرمایه‌های کشورهای جهان‌سومی است که ثروت و دارایی‌های کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته در بانک‌های کشورهای توسعه‌یافته مانند سویس و... نگهداری می‌شود و از مزایا و منافع این دارایی‌ها اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته سود می‌برد و در مقابل کشورهای جهان‌سومی محیط ناامن و نامناسب برای سرمایه و دارایی‌ها است؛ لذا این مسئله سبب انتقال و فرار سرمایه از کشورهای جهان‌سومی می‌گردد؛ که در سال تریلیون‌ها دلار به صورت رسمی و غیررسمی از کشورهای توسعه‌نیافته و دریافت‌کننده کمک‌ها به کشورهای توسعه‌یافته و کمک‌دهنده انتقال پیدا می‌کند. درنهایت تداوم این وضعیت تقسیم‌بندی و نابرابری را بین کشورها شدیدتر می‌سازد که محیط مناسب‌تری را برای جذب سرمایه و نگهداری سرمایه و دارایی‌ها در کشورهای توسعه‌یافته، و فرار سرمایه و دارایی‌ها در کشورهای توسعه‌نیافته فراهم می‌کند. چنانچه امروزه حدود ۹۰ درصد از درآمدهای جهانی را کشورهای توسعه‌یافته در اختیاردارند که ۲۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد و اما ده درصد از درآمدهای جهانی را کشورهای توسعه‌نیافته و جهان‌سومی در اختیار دارد که حدود ۸۰ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد (Rymon W.baker. 2005.pp238-239).

درآمد یا تولید ناخالص ملی و سرانه ملی هرچه عادلانه‌تر میان افراد یک جامعه توزیع گردد، حکایت از توسعه‌یافتگی اقتصادی بیشتر آن جامعه دارد، زیرا شاخص‌های درآمد سرانه یا تولید ناخالص داخلی، الزاماً مؤید برخورداري عادلانه یکایک افراد آن جامعه از مواهب مادی نباشد؛ یعنی ممکن است در جامعه‌ای که تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه افزایش یابد در حالیکه توزیع درآمد بدتر شده باشد (طاهری، ۱۳۷۶، ص ۱۹).

## بررسی پیامدهای نابرابری

### الف) بررسی تحلیلی پیامد نابرابری‌های اقتصادی

وجود نابرابری‌های اقتصادی سبب بوجود آمدن بحران‌ها و رکود اقتصادی، کاهش تقاضا، آسیب دیدن اعتماد و همبستگی جمعی و کاهش هزینه‌های فرصت مبارزه با فساد می‌گردد. این بحث را اقتصاددانان معاصر مانند توماس پکتین، جوزف استگلتز که هر دو از نوایغ برندگان نوبل‌های اقتصادی در جهان است و هم‌منظور مهم‌ترین نهاد اقتصادی جهان مانند صندوق بین‌المللی جدیداً در سال ۲۰۱۵ همین بحث را به صورت ذیل مطرح ساخته‌اند:

### ۱. کاهش نرخ رشد اقتصادی

صندوق بین‌المللی پول در تحقیقی که با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۱۲ بانک جهانی، انجام داده و در سال ۲۰۱۵ منتشر گردید این مسئله را به خوبی اثبات کرد که بین تمرکز ثروت در دستان بیست درصد افراد جامعه اثر منفی بر رشد اقتصادی آن جامعه دارد، به دلیل اینکه امروزه در جهان این مسئله به اثبات رسیده که اگر یک درصد افزایش در درآمد بیست درصد افراد ثروتمند جهان که طبقه بالای جامعه را تشکیل می‌دهد، به وجود بیاید فقط حدود ۸ درصد تولید ناخالص در جهان افزایش می‌یابد؛ اما اگر یک درصد درآمد ۸۰ درصد افراد جامعه که طبقه پایین و متوسط جامعه را تشکیل می‌دهند افزایش یابد حدود ۳۸ درصد از تولید

ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. در نتیجه هرچه در یک جامعه و جهان نابرابری بیشتر وجود داشته باشد، رشد اقتصادی در جامعه و جهان کاهش پیدا می‌کند در نتیجه کارایی اقتصادی پایین می‌آید؛ اما از آن طرف هرچه درآمدها به صورت برابر توزیع شده باشد رشد اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود در نتیجه کارایی اقتصادی افزایش می‌یابد ( IMF STAFF DISCUSSION NOTE, p50, 2015).

## ۲. کاهش تقاضا

یکی دیگر از پیامدها و آثار منفی نابرابری اقتصادی، کاهش تقاضا در جامعه است. کاهش تقاضا سبب ایجاد مازاد عرضه و بحران مالی می‌گردد به دلیل اینکه اقلیت‌های بیست درصد جامعه به مقدار اندکی از درآمدهای خود را مصرف می‌کند.

## ۳. ایجاد بحران مالی

زمانی که تمرکز درآمد در دستان اقلیت جامعه بیشتر شود، سبب کساد درآمد طبقات پایین و متوسط جامعه می‌گردد و رونق اقتصاد طبقات بالای جامعه می‌شود؛ بنابراین رونق اقتصاد اقلیت‌های برخوردار و کساد اقتصادی طبقات پایین و متوسط سبب ایجاد بحران مالی می‌شود و بین این دو متغیر رابطه علی و معلولی برقرار است ( IMF STAFF DISCUSSION NOTE, p8, 2015).

توماس پکتین اقتصاد دان فرانسوی برنده نوبل اقتصادی و از اقتصاددانان معاصر منتقد نظام سرمایه‌داری معتقد است که بحران‌های اقتصادی سال‌های ۱۹۲۹ و ۲۰۰۹ ناشی از وجود تراکم ثروت در دستان اقلیت بیست درصد جامعه است و هرچه تراکم ثروت در دستان اقلیت بیست بیشتر گردد اکثریت جامعه که نقش مؤثرتری در رشد اقتصادی دارند آسیب می‌بیند و وضعیت اقتصادی آنان کسادتر می‌گردد و کساد وضعیت اکثریت جامعه سبب می‌گردد که



تقاضا کاهش یابد و توان خرید مردم کاهش پیدا کند. لذا با استدلال‌های تاریخی و علمی نشان می‌دهد تراکم در نزد اقلیت‌های بیست درصد هرروز بیشتر می‌گردد و در نتیجه بحرانی مالی در جهان به وجود می‌آید و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. طبق مطالعات انجام شده نرخ بازگشت سرمایه در جهان بین حدود ۴-۵ درصد است در جهان امام نرخ رشد اقتصادی به طور متوسط بین ۳/۵ - ۴ درصد است بنابراین هرچه تراکم ثروت در دست اقلیت بیست درصدی جهانی بیشتر شود رشد اقتصادی کمتر خواهد بود و اکثریت که نقش بیشتری در رشد اقتصادی

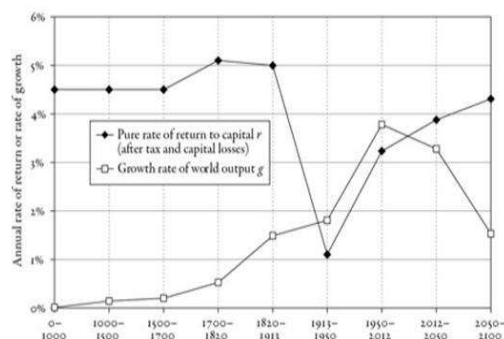


FIGURE 10.10. After tax rate of return versus growth rate at the world level, from Antiquity until 2100

The rate of return to capital (after tax and capital losses) fell below the growth rate during the twentieth century, and may again surpass it in the twenty-first century.

Sources and series: see [piketty.pse.ens.fr/capital21c](http://piketty.pse.ens.fr/capital21c).

می‌تواند داشته باشند، نقششان کم‌رنگ‌تر می‌گردد (Thomas Piketty, 2014, pp249-)

(253)

چنانچه دولت در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵ به دلیل بروز جنگ‌ها و بحران‌های اقتصادی از طریق وضع مالیات سنگین بحران‌ها را کنترل نموده و هزینه‌های جنگ‌های جهانی اول و دوم را پوشش دادند. نمودار ذیل این واقعیت را نشان می‌دهد که در این دوره تاریخی نرخ بازگشت سرمایه نسبت به نرخ رشد اقتصادی کمتر است.

## ۴. آسیب دیدن پتانسیل اکثریت افراد جامعه

افزایش شکاف طبقاتی باعث می‌گردد که ثروت در دستان اقلیت جامعه بیشتر متمرکز شود و اکثریت جامعه در برابر آن‌ها تضعیف می‌گردد و کارایی و موثریت اقتصادی آن‌ها در رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. مطالعات توماس پکتین نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر نیمه اول قرن بیست متوسط نرخ بازگشت سرمایه که در دستان اقلیت‌های افراد جامعه است بین ۶ تا ۷ درصد بوده در حالی که نرخ متوسط بازگشت سرمایه حدود ۴ درصد که نرخ بازگشت سرمایه اکثریت افراد جامعه به طور متوسط ۴ درصد بوده در این دوره، این مسئله نشان‌دهنده‌ای ترمکز ثروت بیشتر می‌گردد در دستان اقلیت جامعه که نقش کمتری در رشد اقتصادی دارد نسبت به اکثریت جامعه که نقش بیشتری در رشد اقتصادی جامعه دارند (Thomas Piketty.translated 2014.p303).

## ۵. آسیب‌های اجتماعی

همین‌طور وجود نابرابری‌های آثار اجتماعی مانند کاهش همبستگی‌های اجتماعی و اعتماد جمعی را به دنبال دارد و هزینه فرصت انجام فساد و مبارزه با فساد را در جامعه کاهش می‌دهد. (IMF STAFF DISCUSSION NOTE,p9,2015).

## ۶. تخریب نقش مثبت قانون

قانون و عمل کردن به قانون در هر جامعه یک سرمایه اجتماعی است، و بهترین نقش و کاربرد مثبت قانون این است که از حق ضعفا در مقابل قوی‌ها حمایت نماید اما وجود نابرابری در جامعه سبب می‌شود که سرمایه اجتماعی دچار انحراف گردد و نقش و کاربردی منفی پیدا نماید و سبب توسعه و گسترش نابرابری در جامعه از طریق انتقال درآمد طبقات پائین جامعه

به طبقه بالا و برخوردار جامعه می‌گردد که در نهایت نابرابری بیشتر می‌گردد ( Joseph (E.Stiglitz,2001.p157).

### **(ب) بررسی پیامدهای نابرابری‌های اقتصادی در اسلام**

بر اساس آموزه‌های قرآنی نابرابری اقتصادی ظلم و تعدی بر حقوق دیگران است و آثار و پیامدهای اجتماعی نامطلوب دارد. بر این اساس و بر اساس متناقض بودن مفهوم ظلم و عدالت آثار و پیامدهای نابرابری اقتصادی و توزیع درآمد در جامعه با توجه به منابع دینی به صورت ذیل بیان می‌گردد:

#### **۱. سلب نعمت**

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: *الظُّلْمُ تَزُولُ النَّعْمَ* (غیرالحکم) ظلم، نعمت‌ها را از مردم می‌گیرد و زایل می‌کند. و نیز در جای دیگر می‌فرماید: *الْبُغْيُ يَسْلُبُ النَّعْمَةَ* (غیرالحکم) ستم، آسایش و آرامش را سلب می‌کند و جامعه را از آرامش و آسایش محروم می‌سازد.

#### **۲. فقر و تنگدستی**

از جمله آثار و پیامدهای منفی که ظلم و نابرابری اقتصادی در عرصه اجتماع از خود بر جای می‌گذارد این است که عده‌ای که تحت ظلم واقع شده، در سختی زندگی می‌کنند و آسایش و آرامش آن‌ها توسط اشخاص ظالم و برخوردار اقتصادی سلب می‌شود اما عدالت و برابری اقتصادی مایه گشایش جامعه است. *فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ، فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ* (نهج البلاغه خطبه ۱۵).

#### **۳. فنا و نابودی**

در حدیثی از پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد(ص) آمده است که: *الملك يبقى مع الكفر و لا يبقى مع الظلم* (شیخ مفید، امالی، ص ۳۱۰). حکومت ممکن است که با کفر باقی بماند

ولی با ظلم و نابرابری باقی نمی ماند. همین طور در منابع قرآنی سقوط تمدن و ویرانی یک اجتماع ناشی از گسترش ریشه های ظلم در جامعه است. سوره یونس/۱۳: ولقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا. سوره کهف/ ۵۹: وتلك القرای اهلکناهم لما ظلموا.

## ۴. افزایش خیروبرکت در جامعه

برقراری عدالت باعث بهبود خیروبرکت در جامعه می گردد. حضرت علی (ع) می فرماید: «بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ»؛ آمدی، شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۳۹۷.

## ۵. آبادانی و عمرانی شهرها

برقراری عدالت و توزیع متوازن درآمدها و ثروت در جامعه باعث آبادانی و عمران شهرها و بلاد می گردد. حضرت علی (ع) می فرماید: ما عَمَّرَتِ الْبِلْدَانَ بِمِثْلِ الْعَدْلِ (آمدی، شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۶۸۸).

## ۶. پایداری و ثبات

توزیع متوازن درآمد برقراری عدالت سبب قوام و پایداری حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم است. با توزیع متوازن درآمدها روابط سالم و زیست مسالمت آمیز و انسانی برقرار می شود. چنانچه که در روایات متعدد عدالت و توزیع متوازن امکانات را سبب قوام و ثبات اقتصادی و اجتماعی دانسته شده است.

حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ». (ابن ابی جمهور،

۱۴۰۳ ه ق عوالی لثالی ج ۴ ص ۱۰۳)

همین طور امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

جَعَلَ اللَّهُ الْعَدْلَ قِوَامًا لِلْأَنْامِ وَ تَنْزِيهًا مِنَ الْمَظَالِمِ وَ الْإِثْمِ وَ تَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ (آمدی، غررالحکم و درر الکلم ج ۱، ص ۳۴۱).

## ۷. اصلاح و بهبود امور

با حاکمیت و برقراری عدالت، امور مختلف زندگی سامان پیدا می‌کند و زمینه بهبود رفاه مردم و فضائل اخلاقی فراهم می‌شود؛ چنانکه امام علی (علیه‌السلام) فرمود: بِالْعَدْلِ تَصْلَحُ الرَّعِيَّةُ (آمدی غررالحکم و درر الکلم ص ۳۹۸).

## ۸. پایداری و اقتدار نظام سیاسی

پایداری و اقتدار نظام سیاسی مدیون برپایی سنت‌های عادلانه و توزیع متوازن درآمدها و فرصت‌های اقتصادی است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: بَاتُ الدُّوْلُ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ (آمدی غررالحکم و درر الکلم ص ۳۹۷).

جدول مقایسه تحلیلی پیامدهای نابرابری‌های اقتصادی با منابع دینی

شماره	پیامدهای نابرابری اقتصادی	پیامدهای نابرابری اقتصادی در منابع دینی	منابع دینی
۱	آسیب دیدن پتانسیل‌های جامعه	کاهش خیر و برکت	غررالحکم
۲	بحران‌های مالی	بی‌ثباتی در اقتصاد زوال و نابودی	غررالحکم سوره‌های کهف ۵۹ یونس ۱۳
۳	تخریب نقش مثبت سرمایه‌های اجتماعی	مشقتها و تنگناهای اقتصادی مردم	غررالحکم
۴	کاهش تقاضا	تنگدستی و فقر	خطبه ۱۵ نهج البلاغه

۵	آسیب‌های اجتماعی	ناپایداری‌های اجتماعی و نبود قدرت سیاسی مقتدر	شرح اصول کافی ج ۹
۶	کاهش نرخ اقتصادی	سلب نعمت و کاهش رشد اقتصادی	غررالحکم

### نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی نظری تحقیق که شامل بررسی دیدگاه و آموزه‌های اسلامی دیدگاه و تحلیل‌های اقتصادی است و همین‌طور با استفاده از مفهوم شناسی عدالت و ظلم آثار و پیامدهای نامطلوب نابرابری‌های اقتصادی از دیدگاه اسلامی و تحلیل‌های اقتصادی مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت. نابرابری‌های اقتصادی حاکم بر اقتصاد جهانی و اقتصاد کشورهای جهان که ۸۰ درصد جمعیت جهان مالک ۱۰ درصد سرمایه و ثروت جهان است و ۲۰ درصد جمعیت جهان مالک ۹۰ درصد ثروت و امکانات مالی جهان است. این نابرابری آثار و پیامدهای نامطلوبی توسعه و رشد اقتصادی داشته و باعث گسترش فقر و تنگدستی بحران‌های مالی و بی‌ثباتی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌گردد. این مباحث با استفاده از مفهوم شناسی عدالت و ظلم که به‌عنوان دو مفهوم متناقض هم از نظر لغوی و منابع دینی شناخته می‌شوند مورد واکاوی و شناسایی آثار و پیامدها قرار گرفت و در نهایت آثار و پیامدهای نامطلوبی نابرابری‌های اقتصادی در قالب جدول مقایسه‌ای پیامدهای استخراج‌شده از تحلیل‌های اقتصادی و منابع دینی بیان شد. در اخیر به این نتیجه نهایی می‌توان رسید که گسترش نابرابری‌های اقتصادی باعث گسترش فقر بحران مالی و بی‌ثباتی می‌گردد لذا از نظر آموزه‌های قرآنی و ردایی نامطلوب و مذموم است.

## کتاب‌نامه

۱. قران کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی‌جمهور، عوالی لئالی ج ۴ ص ۱۰۳ سال نشر ۱۴۰۳ ناشر سیدالشهدا
۴. أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبوالحسين. معجم مقاييس اللغة ج ۳ الناشر: دار الفكر عام النشر: ۱۳۹۹-هـ - ۱۹۷۹ م.
۵. افقه مرتضى، مانده غرافی و بصیرت مهدی، تأثیر آموزش نابرابر بر توزیع نابرابر درآمد در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصادی ایران، شماره ۱۶ سال چهارم ۱۳۹۴ بختیاری صادق، میثمی حسین، سلیمانی محمد «نابرابری درآمدی از دیدگاه اسلامی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران» و فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی سال پنجم، شماره (اول، پیاپی - ۹)، پاییز و زمستان، ۱۳۹۱
۶. آمدی ابوالفتح، غررالحکم و دررالکلم، ناشر: دارالکتاب الاسلامیه
۷. جورداق، جورج؛ روائع نهج البلاغه، بی‌جا، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۵،
۸. خوبی، سید حبیب‌الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. بنیاد فرهنگی امام مهدی ۱۴۰۶ ه. ق. ج ۳ ص ۲۱۴ خطبه ۱۵.
۹. دهخدا علی‌اکبر، لغات نامه. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۷
۱۰. شمس‌الدین، محمدمهدی، دراسات فی نهج البلاغه، ص ۴۰، بیروت، دار الزهراء، چاپ دوم، ۱۳۹۲ ه. ق؛
۱۱. شیخ مفید، امالی، ناشر: کنگره هزاره شیخ مفید. ۱۹۹۳ م
۱۲. طاهری، شهنام، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، نشر آروین، تهران، ۱۳۷۶،

۱۳. مازندرانی ملا محمد صالح، شرح اصول کافی: ج ۹ ناشر: المكتبة الإسلامية للنشر  
و التوزيع ۱۳۴۲ ش.  
فهرست منابع انگلیسی

1. IMF STAFF DISCUSSION NOTE. Era Dabla-Norris, Kalpana Kochhar, Nujin Suphaphiphat, Frantisek Ricka, Evaridiki Tsounta. Causes and consequences of Income Inequality: A Global Perspective. 2015.
2. Joseph E. Stiglitz. Winner of the Nobel prize in Economics, 2001. The Price of Inequality. How today's divided society endangers our future. W.W. Norton and Company New York London.
3. Matt Waldman. Aid Effectiveness in Afghanistan. 2008.
4. Thomas Piketty. translated by Arthur Goldhammer. Capital in twenty - first century. The Belknap Press of Harvard University Press. Cambridge, Massachusetts London, England. 2014.
5. Thomas Piketty. translated by Arthur Goldhammer. Capital in twenty - first century. The Belknap Press of Harvard University Press. Cambridge, Massachusetts London, England. 2014.